

آثار باستانی و تاریخی آذربایجان

جمع آوری مطلب: روابط عمومی و امور بین الملل منطقه ویژه اقتصادی سهلان



خان تختی:

آثار حجاری‌های شاپور اول ساسانی، دومین شاه ساسانی، در جنوب شرقی سلماس یا دیلمقان، پشت قهوه‌خانه‌ی خان تختی واقع است و در کوه مشهور به «صورت بورنی»، در تخته سنگی به طور برجسته، نقر گردیده است. این حجاری شبیه به آثار حجاری‌های کوه کنار تنگ چوگان (جلگه‌ی شاپور فارس) و از یادگارهای پیروزی ایرانیان در برابر رومیان است.

دخمه‌ی سنگی قارنی یاروق:

آثار دخمه‌ها و غارهای سنگی یا دالان‌ها و اتاق‌های متعدد در دامنه‌ی کوه «قارنی یاروق» و همچنین آثار خرابه‌ی دیوارهای یک قلعه‌ی کهنه در این ناحیه دیده می‌شود. دخمه‌ی «قارنی یاروق» و همچنین آثار خرابه‌ی دیوارهای یک قلعه‌ی کهنه در این ناحیه دیده می‌شود. دخمه‌ی قارنی یاروق متعلق به دوران ماد، و در حدود 700 پ م، است.

دخمه‌ی هدر:

دخمه‌ی هدر، در جنوب جلگه‌ی مغان جوق، واقع شده است و به نام «قلاع هدر» هم نامیده می‌شود. این دخمه متعلق به دوران ماد است (افشار سیستانی، 1369 پ، ج 1، ص 261).

سنگ نبشته‌ی ماکو:

بالای در مخروطه‌ی بسطام، از توابع دهستان چایپارسار، واقع در 16 کیلومتری جنوب شرقی ماکو، سنگ نبشته‌ای به خط و زبان اورارتو، در شانزده سطر، پیدا شده که اکنون در موزه‌ی ایران باستان نگهداری می‌شود. این سنگ نبشته به فرمان «رؤسای دوم»، پسر آرگیشتی دوم (646-680 پ م)، نوشته شده و ترجمه‌ی آن چنین است:

«به حول و قوه‌ی خالدي، آرگيشتی روساهینی می‌گوید:

من به سرزمین "آرهو" لشکر کشیدم. من سرزمین اوشولو و سرزمین بوقو را تسخیر کردم.

من تا کنار رودخانه‌ی مونا رسیدم و از آن جا بازگشتم. من سرزمین گید و گیتوهانی و توایشدو را تسخیر کردم، شهر «روتومنی» را من گرفتم. سرزمین‌هایی را که من تسخیر کردم تحت باج خود قرار دادم، این قلعه‌ها را که من، به زور، گرفتم دوباره برقرار ساختم. من آن را، آرگیشتی ایردو؛ یعنی رعیت آرگیشتی، نامیدم. به خاطر تقویت بیا ای نی [اورارتو]، برای مطیع ساختن سرزمین‌های دشمن، به حول و عظمت خالدي و آرگیشتی سترگ شاه، شاه جهان، شاه شاهان، خداوندگار شهر توشیا. آرگیشتی می‌گوید: هر کس نام مرا محو کند یا به کتیبه خسارتی وارد بیاورد، امیدوارم خدایان: خالدي، تی ای شه با شیوای نو او را از زیر خورشید براندازد» (همان، ص 263-264).

ظرف گلی به شکل اسب:

در سال 1303 ش، در ناحیه‌ی ماکو، ظرفی به شکل اسب با پاهای شکسته پیدا شد. این جام زیبا که با واژه‌ی «زیتون» شکل یونانی آن معرفی شده است، از گل بسیار ظریف و الکی شده ساخته شده، رویه‌ی آن کاملاً صاف و شبیه لعاب و به رنگ پشم شتر است. ظرف مزبور در تشریفات مذهبی به کار می‌رفته و دهانه‌ی آن روی پشت حیوان قرار دارد و لبه‌اش برگشته و فراخ است. روی سینه‌ی اسب سوراخی وجود دارد که از آن مایع خارج می‌گردیده است. در نقش رنگین این ظرف رنگ قرمز بیش‌تر به کار رفته و از رنگ سیاه برای برجسته نشان دادن خطوط پیرامون نقش استفاده شده است. جل یا نمدی که پشت اسب انداخته شده، در دوران هخامنشی عمومیت پیدا کرد و به نظر می‌رسد که کیسه‌ای از چرم یا نمد تزئین شده باشد و یا مانند گلیم زیر چادر چوپانی بافته شده باشد. ریتون به دست آمده از ماکو را به اواخر قرن هشتم پیش از میلاد نسبت داده‌اند (همان، ص 264).

کلیسای سن استپانوس:

این کلیسا در روستای دره‌ی شام دهستان گچلرات، بخش پلدشت شهرستان ماکو، واقع شده است. در وسط دره‌ی سرسبز، طاق مدخل محوطه‌ی کلیسای سن استپانوس نمایان است، دهانه‌ی طاق مدخل بیش از چهار متر عرض دارد. درون محوطه از درختان گوناگون پوشیده شده است. در سمت راست؛ یعنی جانب غربی محوطه، کمی بلندتر از کف مدخل، استخر بزرگی وجود دارد. در کرانه‌ی جنوبی استخر، تپه‌ی پردرختی قرار گرفته در جانب شرقی آن ناو سنگی آسیایی کهن دیده می‌شود. چشمه‌ی صاف و زلالی نیز در پای آسیاب جریان دارد که آب آن به استخر می‌ریزد (همان، ص 267).

قره کلیسا:

کلیسای قاتووس، در جنوب شهر ماکو، پانزده کیلومتری شمال شرقی سرچشمه و هفت کیلومتری شمال راه سیه چشمه به قره ضیاءالدین است (همان جا). تاریخ بنای آن دقیقاً معلوم نیست. به گفته‌ی موسی خورنی، مورخ قرن پنجم میلادی، قبر قاتووس و ساندوخت در دشت آرداز (دشت ماکو) واقع گردیده، اما نامی از کلیسا نبرده است. تووما آرجورونی، که در اوایل قرن دهم میلادی می‌زیسته، اولین مورخی است که به این کلیسا اشاره کرده است.

دخمه‌ی سنگی:

این دخمه در هفت کیلومتری غرب ماکو واقع شده است و از سنگ تراشیده تعبیه گردیده و به نام «ایوان فرهاد» هم نامیده می‌شود. این دخمه متعلق به دوران ماد، قرن هشتم پیش از میلاد، است.

گورستان بیراحمدی کندی:

این قبرستان کهن در غرب مرز ترکیه و در 52 کیلومتری جنوب غربی ماکو واقع شده و متعلق به دوران ساسانیان است (همان، ص 282-285).

اندرقاش:

شهر مادی اندرقاش در 11 کیلومتری آذربایجان واقع است. در حوالی روستای اندرقاش، خرابه‌های یکی از شهرهای مادی باقی مانده که بطلمیوس از آن یاد کرده و آن را «داروشا» نامیده است، ولی رولینسن انگلیسی آن را «دریاس» نامیده و در حال حاضر دریاس نام روستای کوچکی واقع در شمال مهاباد است.

دخمه مادی فقرگاه:

این دخمه نزدیک مهاباد واقع شده و متعلق به دوران ماد است. دخمه سنگی مادی دو طبقه، شامل چهار ستون سنگی و چند قبر، در بلندی قرار دارد و از نظر حجاری و ستون‌بندی جزء مقابر مهم دوره‌ی ماد است.

دژ مادی قلات شاه:

این دژ در 120 کیلومتری جنوب غربی شهر مهاباد، با موقعیتی ویژه، قرار گرفته است. ساختمان‌های داخل دژ هم با سنگ لاشه ساخته شده‌اند و در بعضی قسمت‌ها بدون ملات است. سفال‌های مکشوفه بسیار خشن و ابتدایی و دست‌ساز است. بررسی این گونه سفال‌ها و پی‌های ساختمانی موجود مشخص می‌کند که نخستین سنگ بنای این دژ عظیم و شگفت آور در اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد، به دست اقوام محلی پایه‌گذاری شده و سپس در دوره‌ی مادها، قسمت‌هایی بدان افزوده شده است (همان، ص 290-291).

آثار باستانی حاشیه‌ی رود ساروق

آثار دوره یاتاقی:

رود ساروق پرآب‌ترین شاخه‌ی زربنه رود است که در منتهی‌الیه جنوب شرقی آذربایجان غربی جاری است. به علت تغییر شیب تدریجی یکی از شاخه‌های رود ساروق در جلگه‌ی کبود حسن، رسوب کف آن در مقیاس گسترده‌ای صورت گرفته که با گذشت هزاران سال کاملاً مشخص است. کمبود خطر ناشی از سیلاب و مساعد بودن سایر پدیده‌های طبیعی در این جلگه باعث جلب اجتماعات نخستین در دو نقطه‌ی دوه یاتاقی (خوابگاه شتران) و تخت‌گردیده است. ویژگی‌های شگفت آور معماری در دوره یاتاقی، احتمالاً، در راه خدمت مراسم مذهبی ساکنان نخستین آن جا به کار رفته است. آنان تخته سنگ‌های عظیمی را به صورت دیوارهای دو جداره و در مجموع به شکل "L" در کنار هم قرار داده و جایگاهی ایجاد کرده‌اند. ظاهراً با توجه به مصالح و عوامل معماری هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در این منطقه، بعید است که چنین تخته سنگ‌های عظیمی، جزئی از واحدهای مسکونی باشد.

تپه‌ی باستانی تخت‌تخ:

در امتداد شمالی جلگه‌ی کبودچمن و بر حاشیه‌ی رجال از شاخه‌های ساروق، تپه‌ی باستانی تخت‌تخ وضع متفاوتی دارد. ساکنان آن در انتخاب محل سکونت خود اندیشمندی بیشتری نشان داده‌اند، بدین ترتیب که بر پشته‌ای خشک و سخت، که از سنگ آهک متعلق به دوران سوم زمین شناسی است، اسکان گزیده‌اند. معرف تمدن ساکنان این تپه، انبوهی از سفال نخودی رنگ منقوش است که در جنوب غربی و غرب فلات ایران سیر تداومی شگفت‌آوری یافته است (همان، ص 292).

دژ بلقیس:

در جبهه‌ی غربی ارتفاعات بلقیس، جلگه‌ی کوهستانی حسن آباد قرار دارد و چند شهر مهم دوران تاریخی ایران، از جمله شیز (تخت سلیمان) پراسپا (فراسپا یا فزاده اسب). ارتفاعات بلقیس از شمال شرقی با چشم‌اندازی وسیع مشرف به شهرهای مزبور است. از این رو، از تیغه‌های آن برای دیده‌بانی از آتش مقدس استفاده‌ی شایانی شده است. با توجه به درگیری‌های دولت ساسانی با رومیان، در این منطقه، دژهای بلقیس و یا قلعه‌ی خورجهان امکان دفاع از یک ایالت بزرگ ساسانی را به نحو شایسته‌ای فراهم می‌ساخته است. دژ بلقیس، در اصطلاح عوام، به بلقیس، ملکه‌ی سبا، و همسر سلیمان نبی نسبت داده می‌شود. نخستین بار راولینسون موفق به دیدن آن شده است و سپس هیئت کاوش‌های علمی تخت سلیمان مطالعاتی در آن انجام داده‌اند و آخرین پژوهش درباره‌ی دژ بلقیس به دست دیتريش هوف (1) در برلین منتشر گردیده است. کاربرد دژ بلقیس به خوبی مشخص نیست، ولی احتمال دارد کاخی شکاری در دوران ساسانی باشد.

کلیسای قیزچه:

ویرانه‌های محلی به نام کلیسا در حاشیه‌ی روستای قیزچه درست در نقطه‌ای واقع گردیده که تخت بلقیس با شیب تندی مشرف به آن است. بنای معروف به «کلیسا» از هر لحاظ با بناهای ساسانی منطقه متفاوت است. احتمالاً کلیسای کهنه‌ی قیزچه جایگاهی مذهبی بوده که در آن مراسم ویژه‌ای برگزار می‌شده است.

چهارطاق ساسانی:

در جبهه‌ی جنوبی دژ بلقیس، در فاصله‌ی 20 کیلومتری آتش بزرگ (آذرگن‌سب) در مجاورت روستای چهارطاق بقایای چهارطاقی منفرد از دوران ساسانی وجود دارد. محوطه‌ی این چهارطاقی وسعت اندکی دارد و در حال حاضر فقط چهار ستون آن باقی است که ارتفاع آن بیش از سه متر نیست و در طول زمان گوشواره‌ها و گنبد آن فروریخته است.

تخت سلیمان:

باقی مانده‌ی آثار قلعه‌ی باستانی است که در دهستان احمدآباد، بخش تکاب شهرستان میاندوآب، در دو کیلومتری شمال روستای تکاب، واقع گردیده است. تخت سلیمان در زمان‌های پیش از تاریخ و دوران هخامنشی و اشکانی و ساسانی معبر شاهراه‌های عمده‌ای بوده که از طرف همدان به سوی ارمنستان و آسیای صغیر می‌رفته و از لحاظ لشکرکشی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته و این مکان محل تلاقی و برخورد اقوام گوناگونی بوده است. تخت سلیمان امروزی باقی مانده‌ی قلعه و آثار قیصر بزرگ و عمارت‌های مخصوص برای سکونت موبدان بوده است که در زمان اشکانیان و ساسانیان در اوج قدرت بوده و در نتیجه‌ی حمله‌ی رومیان و تاخت و تاز عرب و مغول ویران شده و آثار تمدنی آن از بین رفته‌اند (همان، ص 298-309).